

بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر توسعه کار گروهی با نقش تعدیل گر تعهد عام (مورد مطالعه: زنان ۲۰ سال به بالای شهر تهران)

مریم مقربیان^۱، منصور حقیقتیان^{۲*}، اصغر محمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۹ صص: ۲۳۷-۲۷۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی موثر بر کار گروهی زنان با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر تعهد عام پرداخته است. در این تحقیق هدف تعیین تأثیر عوامل اجتماعی با مولفه هایش بر کار گروهی با ابعاد (هدف مشترک، احساس مشترک، ارزش مشترک، تعامل مشترک) می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر را زنان ۲۰ سال به بالای شهر تهران در سال ۱۳۹۸ با جمعیت ۲۸۱۷۳۰۸ نفر تشکیل داده است؛ حجم نمونه با استفاده از نرم افزار Spss Sample Power بدون نیاز به جمعیت آماری و تنها با در نظر گرفتن متغیرهای مستقل پژوهش با در نظر گرفتن وضعیت مطلوب ۵۲۰ نفر برآورد شده است. نوع نمونه گیری مورد استفاده خوشه ای چند مرحله ای بوده است. یافته های بدست آمده از تحلیل داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS و SMART PLSS حاکی از آن است که فرضیات مبنی بر تأثیر متغیرهای کنش ارتباطی، مدارای اجتماعی و سلامت اجتماعی بر کارگروهی و ابعاد آن تایید ولی فرضیه تأثیر اعتماد اجتماعی بر کارگروهی رد شده است؛ نقش تعهد عام در رابطه تأثیر مدارای اجتماعی در افزایش کار گروهی موثر واقع شده است؛ به عبارتی تعهد عام تقویت کننده رابطه بین دو متغیر کارگروهی و مدارای اجتماعی است.

واژه های کلیدی: کارگروهی، کنش ارتباطی، مدارای اجتماعی، سلامت اجتماعی، تعهد عام

۱ دکتری جامعه شناسی گروه های اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

۲ دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

۳ استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

* نویسنده مسئول مقاله: baranmogharabian@yahoo.com

مقدمه

زنان و دختران به عنوان نیمی از جامعه، در صورت حضور فعال در عرصه های همکاری های مردمی نقش مهمی در روند توسعه خواهند داشت. این نیروی عظیم که انواع مختلف فعالیت ها را چه به طور رسمی و چه غیررسمی انجام می دهند، چنانچه زمینه حضور، فعالیت و همکاری آنها در جامعه فراهم شود استعدادهای بالقوه ایشان بالفعل در می آید و چنانچه به هر دلیل زمینه های لازم برای همکاری آنها در امر توسعه فراهم نشود، جامعه نیمی از عامل انسانی را از دست خواهد داد. از طرف دیگر با توجه به نقش تربیتی زنان در محیط خانواده می توان گفت فعالیت های داوطلبانه و گروهی زنان به مثابه ترویج و آموزش کار گروهی و کار جمعی در کل خانواده است و این موضوع اهمیت نقش زنان در تحقق امر کار گروهی و کار جمعی را برجسته تر می نماید. همکاری زنان در فرایند توسعه، هم حق آنهاست زیرا روند توسعه و تصمیم گیری ها باید با نقش ها و نیازهای زنان نیز هماهنگ باشد و هم وظیفه آنهاست زیرا نیمی از نیروی فعال جامعه را تشکیل می دهند. امروزه میزان و نحوه همکاری اقشار مختلف به ویژه زنان، تعیین کننده جایگاه جوامع از نظر توسعه یافتگی است. در کشورهای در حال توسعه مانند ایران برخورداری زنان از سرمایه های فرهنگی و اجتماعی برای دستیابی آنان به پایگاههای اجتماعی مناسب و برابر با مردان کافی نیست. موانع سیاسی و ایدئولوژیک هم در این رهگذر نقش تعیین کننده ایفا می کنند. بنابراین زنان ایرانی چاره ای جز روی آوردن به نهادهای مدنی و گستره همگانی ندارند. در قالب این نهادهاست که آنان میتوانند جدای از نابرابریها، سلطه گریهای سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیک موجود در بخشهای رسمی و غیررسمی در کنار هم قرار گیرند و باهم تعامل پیدا کنند و با کسب اخلاق مدنی لازم در جهت تحقق اهداف جمعی عام و رهایی خود از زیر سلطه ساختارها و ایدئولوژیهای حاکم بر بخشهای رسمی و غیررسمی به همکاری و فعالیت های اجتماعی و فرهنگی بپردازند (Abdollahi, 2009:28) با توجه به قرار گرفتن کارگروهی و فعالیت اجتماعی در مقوله کنش ارتباطی، می توان تقسیم بندی کنش ارتباطی را که شامل دو بخش ذهنی و رفتاری است، در نظر گرفت؛ بخش ذهنی، تمایلات و گرایش های فردی را و بخش رفتاری اجرای فعالیت های داوطلبانه ی جمعی را مدنظر دارد؛ کار گروهی و جمعی شامل همکاری در قالب و تحت سازماندهی نظام دموکراتیک گروه است؛ این یک شکل از عضویت داوطلبانه اعضا است که مجموع خروجی فعالیت راه، نسبت به زمانی که فعالیت به صورت فردی، انجام شود، به طور قابل ملاحظه ای افزایش می دهد. در کار گروهی هدف این است که به

تناسب تفاوت های فردی، مهارت هایی همچون مهارت های ارتباطی، مهارت های مشترک و مهارت های تفکر انتقادی توسعه یابد و دانش عمومی و نگرش های اجتماعی مقبول از نظر استانداردهای رفتار تحقق یابد. کار گروهی، یک روش اولیه در ایجاد تغییرات مثبت است، که به عنوان یک فرایند آموزشی با تاکید بر سازگاری اجتماعی یک فرد از طریق ارتباط داوطلبانه و استفاده از انجمن ها به عنوان وسیله ای برای دستیابی به هدف مطلوب، تعریف می شود. طی این فرآیند زندگی گروهی تحت تأثیر کنشگری قرار می گیرد که به طور آگاهانه فرآیند تعامل را به سوی دستیابی به اهدافی که در قالب یک مرجع دموکراتیک تنظیم شده است، هدایت می کند.

امروزه بنا به تخصصی شدن و تقسیم کار پیچیده، وابستگی افراد به یکدیگر افزایش یافته و تحقق اهداف اجتماعی در فراگرد ارتباط و تعامل با هموعان محقق می شود و با هماهنگ کردن با دیگران، به سوی هدف معین حرکت می کند و این نتیجه در گروه کار گروهی است که ضرورت گرایش به گروه را آشکارتر کرد.

همکاری در کارهای گروهی و جمعی، به عنوان یکی از مهمترین عواملی که توجه کنشگران را از تمرکز بر رفع نیازهای فردی به طور خودخواهانه به سمت توجه به کنشگران دیگر و انتظارات مربوط به آنها سوق می دهد، در ایجاد توسعه پایدار نقش به سزایی دارد. ممکن است منظور از کنشگر یک فرد، گروه، سازمان، جامعه، تمدن یا بشریت باشد. وجود همکاری در بین افراد به پاداش های درونی مانند احساس حمایت عاطفی و لذت بردن از تشریح مساعی و پاداش های بیرونی مانند توزیع هزینه ها و مسئولیتها بین افراد همکار منجر می شود (Aron, 2013:100). در درون خانواده باعث ایجاد فضایی پرنشاط و آرام، در سطح محله منجر به سهولت حل مشکلات محله و بهبود فضای محله ای می گردد. در سطح سازمانها باعث افزایش راهکارهای خلاقانه می شود و در سطح جامعه یکی از عناصر مهم ایجاد همبستگی است (Department of Islamic Culture and Guidance of Tehran Province, 2001)؛ و در سطح بین المللی منجر به حفظ محیط زیست در جهت توسعه پایدار می شود.

چنانکه نتایج تحقیقات انجام شده درباره جمع گرایی در ایران بر دو نکته مهم تاکید دارند: (۱) افراد تمایل دارند رفتارهای جمع گرایانه داشته باشند (CHalabi, 2003) یا در حدود میانه ی جمع گرایی و فردگرایی قرار دارند. (Nouroozi, 1997) افراد اعتقاد داشته اند که بسیاری از افراد دیگر در جامعه، رفتارهای فردگرایانه دارند. برای مثال ۷۴/۵ درصد از افراد در تهران گفته اند که

بیشتر مردم فقط به فکر خودشان اند و ۷۹ درصد نیز گفته اند نمی توان چندان به مردم اعتماد کرد (Mohammadishakiba, 2001) در نظرسنجی «طرح آمارگیری جامع فرهنگی کشور» (۱۳۸۲)، ۴۸/۷ درصد پاسخگویان با خودگرا بودن افراد جامعه موافق بوده اند، که همگی این موارد زمینه کاهش همکاری را فراهم می سازد. علاوه بر این، عدم تمایل به تشریک مساعی یا عقیم ماندن آن در حوزه های مختلف، کم رنگ بودن پژوهشهای علمی گروهی، موفقیتها در فعالیتهای ورزشی انفرادی و نه تیمی، اختلال در ترافیک و نظایر اینها، نمایشی از انتخاب رفتار غیرهمکارانه در بین کنشگران جامعه است.

عدم موفقیت ایرانیان در کارهای جمعی و گروهی به مثابه یک مانع در توسعه ایران عمل کرده است؛ چرا که ضعف فرهنگ کار جمعی و فعالیت مشترک گروهی به عنوان بحث برانگیزترین عامل در تحقق توسعه ایران و بخصوص در بین زنان به عنوان نیمی از جامعه ایران محسوب می شود. بر اساس آنچه که گفته شد و با نظر به شرایط اقتصادی کشور و تنگناهای موجود و تاثیرات آنها بر روی دیگر ابعاد زندگی، با توجه به ضرورت آن برای جامعه امروز ایران، کار و فعالیت گروهی و جمعی به حاشیه رفته و چندان به آن توجه نمی شود و تنها از بعد مشارکت انتخاباتی از آن نام برده می شود در صورتی که کار گروهی و فعالیت جمعی زنان با توجه به حساسیت های جنسیتی مسئله ای مهم و برای جامعه امروز و توسعه کشور امری حیاتی می باشد. امروزه با توجه به فعالیت های گروهی زنان همچون همکاری در یاری رساندن به بازماندگان حادثه های اخیر و بالاخص زلزله زدگان و نمونه های فراوانی از حضور پررنگ زنان و با نظر به جامعه آماری (زنان شهر تهران) و با توجه به مباحث مطرح شده می توان دلیل این انتخاب را تاثیرگذار بودن همکاری داوطلبانه زنان و تفاوت سطح حضور آنها در کارهای گروهی دانست؛ کشور ما، به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه که در دل خود بحرانهای متعددی را تجربه می کند و از تکرر فرهنگی بالایی برخوردار است، پتانسیل بسیاری از اختلافات و تضادها را داراست.

پرداختن به مسئله کار گروهی در بین زنان از منظر جامعه شناسی و با رویکرد کنش متقابل اجتماعی و ارتباطی داوطلبانه تازگی دارد. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین تاثیر عوامل اجتماعی موثر بر کار گروهی به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که عوامل اجتماعی موثر با میزان توسعه کار گروهی زنان شهر تهران کدام اند؟ و آیا عوامل اجتماعی بر میزان توسعه کار گروهی زنان تاثیرگذار است؟

تعریف مفاهیم و نحوه سنجش متغیرها

کارگروهی: فعالیتی هدفمند است که به وسیله گروه های کوچک نیاز محور و وظیفه محور برای برآورده شدن نیازهای اجتماعی- احساسی و یا انجام وظایف به اجرا می رسد، تمرکز این فعالیت بر افراد عضو گروه، گروه به عنوان یک کل و یک سیستم ارایه خدمات قرار دارد. همکاری در کار گروهی و فعالیت اجتماعی با شرکت در فعالیت هایی همچون گروه های مذهبی مرتبط با مسجد و یا جلسات مذهبی، گروه های خیریه یا امدادی یا محیط زیست (پاکسازی کوهستان و غیره)، همکاری با انجمن اولیا و مربیان، همکاری با گروه های حمایتی مثل حمایت از حقوق زنان، سالمندان و جهادی و غیره، انجمن های مرتبط با شغل و حرفه، گروه های مدنی و احزاب، همکاری با همسایه ها در امور عمومی و محله و گروه های دوستی و فAMILIARY سنجیده شده است.

- **کنش ارتباطی^۱:** هابرماس کنش ارتباطی را کنشی تعریف می کند که « متمایل به دستیابی، حفظ و تجدید توافق است». (Habermas, 2006:390), توافق اهمیت دارد؛ زیرا هابرماس اصرار می ورزد که اگر قرار نیست جامعه از درون متلاشی شود، نیاز داریم تا نسبت معینی از اعتقادات و هنجارهای فردی را به طور مشترک حفظ نماییم؛ کنش ارتباطی در پی آن است تا اهداف و آرمان های مشخص فردی را با فهمی مشترک از اهداف و اعتقادات جمعی هماهنگ سازد. کنش ارتباطی از منظر هابرماس، مفهومی متمایز از کنش وسیله ای و استراتژیک است و امکان تحقق آن در بستر حوزه عمومی میسر است. کنش ارتباطی در زیست جهانی امکان بروز و ظهور می یابد که تحت استعمار سیستم قرار نگرفته باشد. جهان زیست به نوبه خود، خود را تنها از طریق کنش های جمعی جاری بازتولید می کند. زمانی کنش های افراد جامعه ارتباطی خواهند بود که افراد در فضایی مملو از قدرت افقی و فارغ از سلطه، امکان گفتگو و مباحثه و رسیدن به توافق را تجربه کنند.

- **اعتماد اجتماعی:** واژه اعتماد در فرهنگ اکسفورد به عنوان اتکا یا اطمینان به نوعی کیفیت یا صفت یک شخص یا یک چیز، یا اطمینان به حقیقت یک گفته توصیف می شود (Giddens, 2015:37)؛ اعتماد اجتماعی را می توان داشتن حسن ظن به دیگران در روابط اجتماعی، که دارای

¹ Communicative action

دو طرف اعتماد کننده ۱ و اعتماد شونده ۲، فرد یا گروه، است، دانست که تسهیل کننده روابط اجتماعی بوده و امکان سود یا زیان را در خود نهفته دارد؛ اعتماد اجتماعی راهبردی است که افراد را قادر می سازد تا خود را با محیط اجتماعی پیچیده وفق دهند و بدین وسیله از فرصت ای فزاینده سود ببرند- (Sztompka,2013:50).

- **مدارا و سازگاری اجتماعی ۳:** مدارای اجتماعی به عنوان عبارت، تقاضاهای هر یک از اعضای جامعه برای برخورد خوب با دیگر اعضای جامعه در محیط های اجتماعی و عمومی است که با پذیرش تفاوت های هر شخصی که در جامعه زندگی می کند، شکل می گیرد. مدارای اجتماعی نیازمند این است که همه اعضای جامعه در کنار یکدیگر با آسایش گام بر دارند؛ بدون ترس فیزیکی یا حمله هیجانی یا خشونت (Schatz,2004:15).

- **سلامت اجتماعی ۴:** کیز معتقد است بهزیستی یک اساس و بنیان اجتماعی دارد و بدین ترتیب سلامت اجتماعی را ارزیابی شرایط و عملکرد فرد در جامعه تعریف می کند و عملکرد اجتماعی خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت جسمی و روانی است و چالش های اجتماعی را در برمی گیرد (Keyes:2004) کیز یک مدل پنج بعدی قابل سنجش سلامت اجتماعی را به کار می برد که در آن فرد، زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماع را یک مجموعه ی معنادار قابل فهم و دارای بالقوه هایی برای رشد و شکوفایی بداند، احساس کند که متعلق به خود است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن شریک بداند. به تعبیر دیگر محتوای مقیاس سلامت اجتماعی طیف مثبتی از ارزیابی فرد از تجانس در جامعه است. این ۵ بعد عبارتند از: ۱- شکوفایی اجتماعی ۲۵- همبستگی اجتماعی ۳- انسجام اجتماعی ۴ ۶- پذیرش اجتماعی ۵۷- مشارکت اجتماعی.

¹ Trustee

² Truster

³ Social Adjustment

⁴ Social Well-bing

⁵ Social actualization

⁶ Social integration

⁷ Social acceptance

تعهد عام^۱: تمایلات دیگر خواهانه در سطح فردی به تعهد میان فردی، و در سطح اجتماعی به تعهد جمعی منتهی می گردد. تعهد به معنای احساس مسئولیت است. فرد دیگر خواه نسبت به افراد دیگر و نیز نسبت به جمعی که عضوی از آن است، احساس تعهد می کند. البته احساس تعهد نسبت به جمع می تواند ناشی از منافع فردی نیز باشد و آن هنگامی است که فرد پذیرفته باشد که منافع فردی او از طریق تحقق منافع جمعی بهتر تامین می شود. تعهد عام یا مسئولیت اجتماعی هر منشی که داشته باشد (دیگر خواهانه یا سودجویانه) بر همکاری در دوراهی اجتماعی موثر است (۳۲)؛ مراد از تعهد عام احساس مسئولیت نسبت به دیگران عام (ناآشنا) در اجتماع جامعه ای (ملی) است (Turner, 1998:65).

پیشینه تحقیق

هاشمی و یگانه (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «تاثیر دینداری بر رفتارهای جمع گرایانه از منظر انتخاب عقلانی به این نتیجه رسیده است که رابطه میان دینداری و رفتارهای همیارانه در موقعیت های دوراهی اجتماعی و نیز رابطه میان رفتارهای همیارانه مبتنی بر دین و رفتارهای همیارانه در موقعیت های دوراهی اجتماعی معنی دار است؛ به عبارتی با افزایش میزان دینداری باعث افزایش میزان رفتارهای همیارانه در دوراهی های اجتماعی می شود. (Tavasoli, 2018:34)؛ حاجیلری (2009) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع فرهنگی عدم توسعه کار جمعی و گروهی در تشکل ها و مجموعه های دانشجویی» به دنبال شناخت مهم ترین عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه و تعمیق کار گروهی در مجموعه ها و تشکل های دانشجویی بوده است و به این نتیجه رسیده است که با افزایش عقلانیت، میزان تمایل به کار گروهی افراد افزایش می یابد (۷)؛ چیوهارا (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «تأثیر عوامل فردی و اجتماعی بر فعالیت کار گروهی معلمان» فرایند مشارکت فراگیران در کار گروهی را با توجه به ماهیت اجتماعی یادگیری در زمینه کلاس درس بررسی نموده است و به این نتیجه رسیده است که نه تنها هر گروه یک رویکرد منحصر به فرد را نشان می دهد، بلکه هر آموزگار در همان گروه با انجام تفسیر وظیفه بر اساس اهداف، سابقه و موقعیت های فردی اهداف گروه را پیش می برد. وی همچنین اثرات تأثیرات همسالان بر رفتار آموزگاران را بررسی نموده است و چندین جنبه ای را که در حین تعامل آنها با کار مورد نظر تمرکز می کند، برجسته نموده است-

¹ General Commitment

(CHalabi, 2003:101). کاسی بدوئس و گریس پنتر ۱ (۲۰۱۷) در مقاله ای تحت عنوان «جنسیت و کار گروهی» به این نتیجه رسیده اند که تحلیل دیدگاه ها و فعالیت های استادان کار گروهی به طور روزافزون به عنوان یکی از مؤلفه های مهم برنامه های آموزش مهندسی در نظر گرفته می شود. نتایج حاکی از آن است که استادان به ابزارهایی نیاز دارند که به آن ها کمک کند کار گروهی جنسیت-شمول را تسهیل کنند و این ابزارها باید به باورهایی بپردازند که آن ها از قبل نسبت به کار گروهی داشته اند. این یافته ها نشان می دهند که فعالیت های گروهی فعلی ممکن است نابرابری های جنسیتی در مهندسی را تشدید کنند (Hajilari, 2009:76).

چارچوب نظری

با نگاهی اولیه به موضوع و مساله پژوهش، می توان گفت که سه حوزه اصلی جامعه شناسی، روانشناسی اجتماعی و پویایی گروه در علوم انسانی به موضوع کار گروهی و جمعی پرداخته اند که همین بیانگر اهمیت پرداختن به موضوع حاضر است. آنچه به عنوان یکی از شاخص های عمده توسعه همه جانبه مدنظر قرار گرفته، فرهنگی است که کار جمعی و گروهی را ارزشمند دانسته و آن را ممکن می سازد و در واقع تصور کار گروهی و فعالیت اجتماعی بدون وجود عوامل اجتماعی و فرهنگی که در کنار هم دارای اهمیت دو چندان هستند، امکان پذیر نمی باشد.

مطالعات و رویکرد کیزی (۲۰۰۴)، علاوه بر اینکه در تعریف سلامت اجتماعی و عوامل اجتماعی اثرگذار بر آن مورد استفاده ی گسترده قرار می گیرد، عمدتاً به عنوان چارچوب تئوریک تحقیقات مرتبط با سلامت اجتماعی نیز کاربرد دارد. این رویکرد از یک اصل جامعه شناختی و روانشناختی نشأت می گیرد. طبق نظر کیزی حلقه ی مفقوده در تاریخچه ی مطالعات مربوط به سلامت و خصوصاً سلامت ذهن، پاسخ به این سؤال است که آیا ممکن است کیفیت زندگی و عملکرد شخصی افراد را بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد. او معتقد است بهزیستی یک اساس و بنیان اجتماعی دارد و بدین ترتیب سلامت اجتماعی را ارزیابی شرایط و عملکرد فرد در جامعه تعریف می کند و عملکرد اجتماعی خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت جسمی و روانی است و چالش های اجتماعی را در برمی گیرد (Bokharayi & Tavafi, 2016:10).

¹ Casice Bedouis and Grace Penny

کییز و لارسون^۱ سلامت اجتماعی را به عنوان گزارش فرد از کیفیت روابطش با دیگران، نزدیکان و گروه های اجتماعی که وی عضوی از آنهاست، تعریف می کنند. ایشان معتقدند سلامت اجتماعی بخشی از سلامت فرد را می سنجد و شامل پاسخ های درونی فرد که نشانگر رضایت یا فقدان رضایت فرد از زندگی و محیط اجتماعی اش هستند، می باشد (Keyes,2004:9).

کییز مدل پنج بعدی سلامت اجتماعی را به کار می برد. او در بررسی رابطه ی بین سلامت اجتماعی و متغیرهای زمینه ای به رابطه ی وضعیت شغلی و سلامت اجتماعی پرداخته و مطرح میکند وضعیت شغلی در سلامت اجتماعی زنان مهمتر از مردان است و زنانی که وضعیت شغلی پایینتری دارند سلامت اجتماعی کمتری نسبت به مردان با همان جایگاه شغلی دارند. در جایگاه پایین شغلی، در سنین پایینتر، در مجردها و در کسانی که سابقه ی ازدواج ناموفق داشته اند، پایینترین انسجام اجتماعی مشاهده شده است. مردان مسن با جایگاه اجتماعی پایین مشارکت اجتماعی پایینتری داشته و زنان مجرد یا زنانی که از جایگاه شغلی بالاتری برخوردار هستند، از مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردارند. از دید کییز شکوفایی اجتماعی کمتر، در جوانترها و در جایگاه اقتصادی اجتماعی پایینتر به چشم می خورد.

کییز یک مدل پنج بعدی قابل سنجش سلامت اجتماعی را به کار می برد که در آن فرد، زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماع را یک مجموعه ی معنادار قابل فهم و دارای بالقوه هایی برای رشد و شکوفایی بداند، احساس کند که متعلق به خود است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن شریک بداند. به تعبیر دیگر محتوای مقیاس سلامت اجتماعی طیف مثبتی از ارزیابی فرد از تجانس در جامعه است. این ۵ بعد عبارتند از: شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی. البته در این تحقیق به دلیل با حذف مشارکت اجتماعی به علت هم پوشانی با متغیر وابسته را، چهار بعد مورد بررسی قرار گرفت.

دورکیم نیز در بحث تقسیم کار، دو نوع همبستگی مکانیکی و ارگانیکی را از هم تفکیک می کند؛ همبستگی مکانیکی، همبستگی از راه همانندی بوده و افراد جامعه، با هم تفاوت زیادی ندارند و اجتماع واحدی اند و احساسات واحدی دارند. جامعه از آن رو منسجم است که تمایز اجتماعی پیدا نکرده است؛ اما همبستگی ارگانیکی خاص جوامع جدید است، همبستگی ای است که در نتیجه ی

¹ Keyes & Larson

تمایز اجتماعی افراد از هم، بیان می‌شود؛ زیرا افراد را در قیاس با اندام‌های موجود زنده، بررسی می‌کند و معتقد است اندام‌ها، گرچه هرکدام وظیفه خاصی دارند و همانند هم نیستند، اما همگی آن‌ها برای حیات موجود زنده لازم است. بنابراین از نظر دورکیم، عامل اصلی پیوند در جامعه نوین؛ که به‌خاطر پیچیدگی‌هایش قدرت وجدان جمعی کاهش یافته است، تقسیم کار اجتماعی پیچیده است. به‌طور خلاصه، از نظر دورکیم «تقسیم کار، نمودی اجتماعی است و چیزی نیست جز ترکیبی از "حجم جامعه"، "تراکم مادی" و "تراکم اخلاقی جامعه"؛ حجم جامعه، همان تعداد افرادی است که به یک اجتماع معین، تعلق دارند؛ تراکم مادی، عبارت است از تعداد افراد، در رابطه با سطح معین خاک؛ تراکم اخلاقی، عبارت است از شدت ارتباط‌ها و مبادلات بین افراد» (Azedanloo, 2017:395)

نظریه کنش ارتباطی، یکی از شناخته‌ترین ایده‌های هابرماس می‌باشد که در آن کنشگران برای رسیدن به یک درک مشترک از طریق استدلال، وفاق و همکاری با یکدیگر ارتباط متقابل برقرار می‌کنند. به اعتقاد هابرماس افراد در حوزه عمومی (عرصه اجتماعی) از طریق مفاهمه و استدلال و در شرایطی عاری از هرگونه فشار، اضطراب یا اجبار درونی (خودخواسته) یا بیرونی (قهری) و بر مبنای آزادی و آگاهی تعاملی و در شرایط برابر برای تمام طرف‌های مشارکت‌کننده در حوزه عمومی مذکور، مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری را تولید می‌کنند که در نهایت به صورت ابزاری موثر برای تاثیر گذاردن بر رفتار و عملکرد دولت به ویژه عقلانی ساختن قدرت دولتی عمل می‌کنند (Pinter, 2004:56).

هابرماس انواع کنش را در دو جهت می‌بیند: در جستجوی موفقیت و در جستجوی تفاهم؛ از نظر او کنش استراتژیک نیز همچون کنش ارتباطی در موقعیتی اجتماعی اعمال می‌شود و در جستجوی موفقیت است؛ در حالی که کنش ارتباطی در جستجوی تفاهم است. کنش ارتباطی واسطی است که از طریق آن، اذهان متکلم و کنشگر، گفتار و کنش خود را در هم می‌کنند از طریق این واسط و فرآیند عادی به تفاهم رسیدن است که به یکدیگر وابسته می‌شود و توافق‌های عادی و یا مدلی که از طریق ارتباطات شکل گرفته‌اند به نحو عقلانی نیرو و انگیزش ایجاد این وابستگی را فراهم می‌کند. هدف کنش ارتباطی، اجماع شناخت همگانی و پذیرش حقایق واحد است و این حوزه در واقع یک آرمان اجتماعی است به نظر هابرماس از طریق کنش ارتباطی انسانها از سلطه‌رهایی می‌یابند و جهان خویش را به گونه‌ای عقلانی - ارتباطی و دموکراتیک می‌سازند

اولویت قائل شدن برای کنش ارتباطی یک سلسله پیامد به دنبال دارد و نخست آنکه با این تعبیر، عقلانیت، آرمانی نیست که از آسمان افتاده باشد بلکه در خود زبان ماست و در بر دارنده نوعی نظام اجتماعی فراگیر و دموکراتیک است که هدفش رسیدن به توافق است نه اعمال سلطه (Mahdavi&Mobaraki, 2007:217) در واقع عقلانیت از نظر هابرماس به معنای از میان برداشتن موانعی است که ارتباط را تحریف می کنند، اما به معنای کلی تر، نظامی ارتباطی است که در آن افکار آزادانه ارائه می شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند.

نظریه آلپورت: از زمان جنگ دوم جهانی، توجه به موضوع مدارا ذهن برخی اندیشمندان را به خود معطوف کرد. در این میان، روان شناسان پیش گام بودند و اغلب آن ها بر متغیر های فردی تأکید کرده اند. جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی، سه نظریه گسترده وکلان و یک تبیین علی درباره مدارا ارائه داده اند که عبارت است از: 1 آدورنو و همکاران در سال « 1950 شخصیت اقتدارطلب 1- « نظریه؛ آلپورت 2 در سال « 1958 برخورد 2- « فرضیه تاجفل و ترنر در سال های 1982 و « 2002 هویت اجتماعی 3- « نظریه فرضیه آلپورت (1958) بیان می کند در وضعیتی خاص، برخورد با اشخاص برون گروه، مدارا را در برابر افراد این گروه ها افزایش می دهد. از عواملی که به افزایش مدارا منجر می شود نیز عبارت است از ارزیابی مثبت از این برخوردها به وسیله نهاد ها مثل مدارس و شرکت ها یا به وسیله دولت (Conyers, 2008:87).

نظریه تضاد گروهی واقع گرایانه، وابستگی متقابل منفی را منبعی برای تعصب در نظر می گیرد؛ درحالی که فرضیه برخورد معتقد است وابستگی متقابل مثبت، ممکن است روابط را بهبود بخشد. آلپورت (1954) برای اولین بار نظریه برخورد را مطرح و به شرایط مورد نیاز برای توسعه روابط بین گروهی مثبت اشاره کرد.

شرایطی که آلپورت مطرح می کند، شامل این گزینه هاست:

- 1- وابستگی متقابل همراه با همکاری و مشارکت در کل گروه ها؛
 - 2- جایگاه برابر بین اعضای گروه اقلیت و گروه اکثریت در تعقیب اهداف مشترکشان؛
 - 3- حمایت نهادها و مسئولان از روابط بین گروهی؛
 - 4- ایجاد فرصت برای اعضای همه گروه ها تا به عنوان افراد، با یکدیگر کنش متقابل داشته باشند.
- (Christie & Dawes, 2001:137)

در این پژوهش مدارای اجتماعی به عنوان یک کنش، در ارتباط با تعامل دو سوبه ساختار و عاملیت تعریف و تبیین می شود. مدارای اجتماعی عملی اختیاری و آگاهانه در بین افراد و گروههایی است که ضمن آگاهی نسبت به منافع خود و جامعه، دارای دیدگاهها و روشهای زندگی متفاوتی بوده و در یک اجتماع واحد همزیستی و همسازی دارند. مدارا در فرایند بازاندیشانه عاملیت با ساختار تولید و بازتولید میشود. مدارای اجتماعی، جنبه ی ساختاری و عاملیتی دارد و هر چه هماهنگی این دو بیشتر باشد، ساختاربندی قویتر است. بر این اساس، ترکیبی از توانایی خلاقانه (به نفع فرد) و توانایی عقلانی (به نفع جامعه) را با خود به همراه دارد.

رابطه ی بازاندیشانه ی ساختار و عاملیت (ساختاربندی)، مراد از رابطه ی بازاندیشانه ی ساختار و عاملیت در این تحقیق، رابطه ای است که عاملیت و ساختار، هر کدام هویتهای مستقل خود را دارند، ولی بدون هم نیز نمیتوانند باشند. اگر انتظار داشته باشیم مدارای اجتماعی صورت گیرد، عاملیت و ساختار باید با یکدیگر ساخت و ساز داشته باشند.

انتظارات عاملیت از ساختار، عاملان نیز میتوانند خارج از محدودیتهایی که ساختار برای آنها تعیین کرده است، به شیوهای خلاقانه از طریق کنش ساختارهای اجتماعی را تعدیل و اصلاح کنند. عاملیت با توانایی خلاقانه تعریف میشود. اگر این حرکت و تغییر با محدودیت ساختار همسازی پیدا کنند، انتظارات عاملیت و ساختار از سوی یکدیگر درک و به رسمیت شناخته شده و امکان بروز رفتارهای مداراجویانه فراهم میشود.

پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی ویژگی هایی مانند شبکه روابط، هنجارها و اعتماد اجتماعی است که همکاری و هماهنگی را برای منافع اجتماعی تسهیل می کند. همکاری داوطلبانه در جامعه ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه های مشارکت مدنی به ارث برده است، بهتر صورت می گیرد. از نظر این صاحبنظر، سرمایه اجتماعی که اعتماد یکی از وجوه برجسته آن است، با تسهیل اقدامات، کارایی جامعه را بهبود می بخشد و هزینه مبادلات و همکاری های محلی را کاهش می دهد. از نظر پاتنام، روابط اجتماعی مداوم می تواند انگیزه هایی برای قابل اعتماد بودن ایجاد کند. اعتماد نیز از عناصر تقویت همکاری است. اعتماد همکاری را تسهیل می کند. هرچه سطح اعتماد در جامعه ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر است. خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می کند. وجود نهادهای همکاری جویانه مستلزم اعتماد بین اشخاص است، هرچند این مهارت ها و اعتماد به نوبه خود توسط همکاری تقویت می شود. سرمایه اجتماعی به اعتماد میان

اعضای گروه اشاره دارد و نه اعتماد میان اعضای خانواده با خویشاوندان، از این رو سرمایه اجتماعی در شبکه های ارتباطات اجتماعی درون گروه‌ها و بین گروه‌ها شکل می‌گیرد. در اثر تداوم رابطه بین اعضای یک گروه و بین اعضای گروه‌ها، اعتماد و سرمایه اجتماعی بین آن‌ها تقویت می‌شود و هزینه روابط و فعالیت های گروهی کاهش می‌یابد. همکاری های داوطلبانه به وجود سرمایه اجتماعی بستگی دارد. از طرفی تداوم روابط اجتماعی، اعتماد ایجاد می‌کند و از طرفی شبکه های مشارکت ورزی باعث افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی می‌شود (Putnam, 2014:285). از سوی دیگر به اعتقاد هومنز اعتماد کردن به دیگران (متغیر اعتماد اجتماعی) تحت تأثیر نتایج اعمال گذشته فرد در این زمینه است. بسته به اینکه آیا اعتماد شخص به دیگران در گذشته برای او سودمند(پاداش) بوده یا باعث ضرر و زیان (تنبیه) شده است، می‌توان پایین بودن یا بالا بودن اعتماد اجتماعی اشخاص را تبیین کرد.

سرمایه اجتماعی عنصری از سرمایه بشری است که موجب می‌شود اعضای یک جامعه به هم اعتماد کنند و با تشکیل گروه‌ها و سازمان های جدید، با یکدیگر همکاری کنند. به نظر فوکویاما، هنر کار جمعی و وجود انجمن های مختلف در جامعه آمریکا حاکی از وجود اعتماد است. سرمایه اجتماعی قابلیت است که از رواج و نفوذ اعتماد در جامعه ناشی می‌شود ولی می‌تواند در گروه‌های مختلف اجتماعی تبلور یابد. به نظر فوکویاما مفیدترین نوع سرمایه اجتماعی، کارکردن تحت اقتدار یک گروه یا اجتماع سنتی نیست، بلکه توانایی ایجاد انجمن های جدید و همکاری در آن‌ها است. جامعه ای که سرمایه اجتماعی بیشتری دارد، قادر به ایجاد این سازمان ها است چرا که درجه بالاتری از اعتماد سبب ایجاد و ظهور روابط اجتماعی متنوع می‌شود. در عوض مردمی که به یکدیگر اعتماد ندارند فقط تحت سیستمی از قوانین و ضوابط رسمی که بتواند جایگزین اعتماد شود، می‌توانند با هم همکاری کنند (Fukuyama, ۲۰۰۷: ۲۷).

کیث فالکس^۱ در کتاب شهروندی، تعهد را رفتار داوطلبانه ای می‌داند که تجلی همبستگی و پیوند ذهنی فرد با دیگران است و بر همین اساس، او نشانه سلامت یک جامعه را در توانایی آن در اتکا کردن به افراد در عمل کردن به تعهدات خود می‌داند و حفظ آن را برای جامعه لازم می‌داند (Mohammadishakiba, 2001:34).

¹ Faulks, Keith

فالكس به طور كلي براي تعهد سه بعد احساسی، شناختی و عملی قائل شده است كه هر کدام از آنها موقعیت خاص خود را می طلبد.

بعد احساسی؛ وقتی فرد در يك موقعیت قرار می گیرد احساس می كند باید نقش خود را به خوبی ایفا كند.

بعد شناختی؛ آن است كه فرد بداند كه در آن موقعیت خاص، دیگران از او چه انتظاراتی دارند و این انتظارات چه نتایجی برایش در پی دارد.

بعد عملی؛ رفتاری است كه در يك موقعیت خاص از فرد سر می زند (۷).

از نظر دوركیم، سرچشمه هر گونه فعالیت اخلاقی، تبعیت منافع خصوصی از منافع عمومی است و تبعیت منافع خصوصی از منافع عمومی، متضمن روحیه فداکاری و ایثار بوده كه يك ویژگی اخلاقی است. دوركیم در بحث خود پیرامون اخلاق، آن را تأمین کننده روح کنترل جامعه كه باید در درون، حضور داشته باشد، می داند. او تأکید می كند كه واقعیت های اجتماعی و به ویژه قواعد اخلاقی (مثل هنجارهای اجتماعی)، تنها در صورت درونی شدن در وجدان فردی، به راهنما و نظارت کننده مؤثر بر رفتار بشری تبدیل می شوند، ضمن آنكه همچنان مستقل از افراد باقی خواهند ماند. بنابراین نظر، الزام، دیگر تحمیل صرف نظارت های خارجی بر اراده فردی نخواهد بود، بلکه شكل يك اجبار اخلاقی برای اطاعت از قانون را به خود خواهد گرفت. دوركیم همچنین پای بندی به نقش های اجتماعی را عامل ایجاد همبستگی در جوامع برخوردار از تقسیم كار پیچیده معرفی می كند (۱۷). به نظر دوركیم، اعضای جامعه با پیوندهای زودگذر دقایق کوتاه مبادله افراد با يكدیگر، به هم بسته اند. هر يك از نقش هایی كه افراد اجرا می كند، به نحوی ثابت، وابسته به نقش های دیگرند و همراه با آنها يك دستگاه همبسته را به وجود می آورند. در نتیجه ماهیت فعالیتی كه هر كس انتخاب می كند، وظایفی پایدار برای وی ایجاد می كند. ما از آن جا كه عامل اجرای این یا آن نقش خانوادگی یا اجتماعی معین هستیم، در شبكه ای از تعهدات و تكالیف قرار گرفته ایم كه حق نداریم آنها را نادیده بگیریم (Mahdavi & Mobaraki, 2007:18). در واقع دوركیم عقیده دارد كه همبستگی اجتماعی در يك گروه نوعی احساس مسئولیت متقابل در افراد به وجود می آورد به طوری كه افراد جامعه دیگر نمی توانند نسبت به خواسته ها و نیازهای يكدیگر بی تفاوت باشند.

پارسونز در كتاب اقتصاد و جامعه خود، تعهد را حد و مرز نگهداری نظام كنش اعضا يك سازمان معرفی کرده و می گوید وقتی يك شخص یا يك مجموعه ای، انواع حتمی و مسلمی از رفتار را

تحت شرایط خاص به نمایش می گذارند و این رفتارها از سوی دیگران (بخش ها و افراد جامعه) نیز صحیح تلقی شود ما می گوئیم یک تعهد اجتماعی ساخته شده است. او در همانجا از انجام خدمت موافق برای رسیدن به اهداف و دستیابی به کارکرد یک سازمان، با عنوان "تعهدات قراردادی" یاد می کند و می گوید تعهد عامل تنظیم روابط بعدی نظامها است. از سوی دیگر می گوید نقش اجتماعی عبارتست از "مجموعه انتظارات رفتاری مبتنی برهنجار که توسط محیط اجتماعی به فردی که دارای یک موقعیت معین است، القا می شود." با تلفیق دو تعریف تعهد و نقش دیدگاه پارسونز می توان نتیجه گرفت از نظر او تعهد چیزی جز پابندی اعضای جامعه به انتظاراتی که از آنها در نقش های اجتماعی شان می رود، نمی باشد (Nouroozi, 1997:87).

میلز ۱ عنصر اصلی نقش های رفتاری افراد، که بوسیله نظم اجتماعی تعیین شده است را، «تعهد» می نامد. او تعهد را درک یک قرار داد مصالحه یا داد و ستد آشکار و صریح و یا ضمنی بین افراد و یا به طور ذهنی بین نقش های افراد در گروهها می داند (Weber, 2014:31). بلومبرگ ۲ معتقد است که تعهدات در جریان شکل گیری روابط متقابل افراد بوجود می آید. او می گوید تعهد به طور طبیعی در جریانات لاینفک و ذاتی شکل گیری و صورت بندی روابط متقابل بوجود می آید و ممکن است آشکارا به وسیله مشارکت در پیمان های خصوصی و یا بطور وسیعتر با مشارکت در پیمان های عمومی مشخص گردد. وی تعهدات را به دو گروه تقسیم می کند: الف) تعهدات تحمیلی بیرونی و ب) تعهدات تحمیلی درونی. تعهدات بیرونی، بواسطه یک قرارداد به افراد تحمیل می شود مانند ازدواج که برای هر یک از دو همسر نقشی را بوجود می آورد و آنان خود را موظف به ایفای نقش در آن می دانند؛ تعهدات درونی، که حاصل روابط افراد با هم است - بدون اینکه قرارداد یا پیمانی در کار باشد بوجود می آید، مانند نقش فرزند و یا نقش پدری یا مادری. نکته دیگری که وی اشاره می کند میزان اعتقاد افراد به تعهد طرف مقابل است و معتقد است که علاوه بر درجه تعهد افراد میزان اعتقاد آنها به تعهد دیگر شرکت کننده های در کنش متقابل نیز از اهمیت برخوردار است، چون خود آن موجب تشدید تعهد افراد خواهد شد. بلومبرگ درجه تعهد را به میزان هزینه ای که هر یک از طرفین بطور اجتناب ناپذیر در روابط متقابل شان با دیگران متحمل می شوند مرتبط می

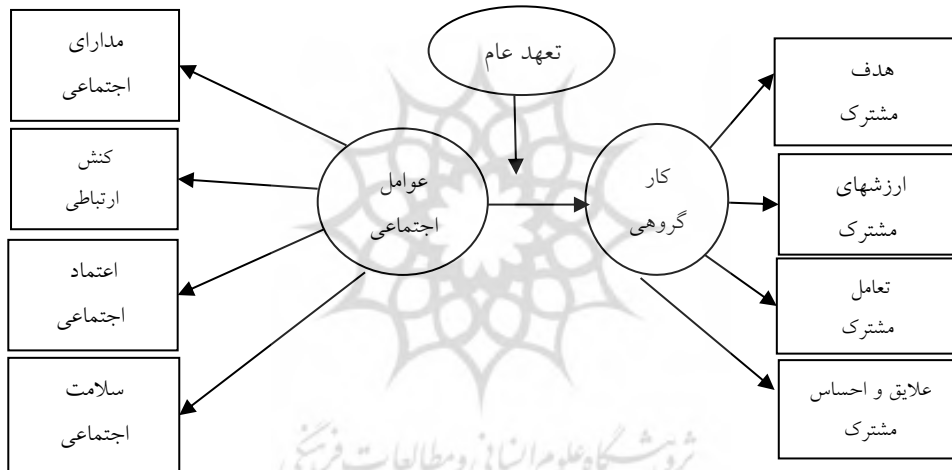
¹ Mills

² Bloomberg

داند. او می گوید اگر افراد به تعهد دیگران اعتقاد نداشته باشند، وفاداری شان را به روابط متقابل شان از دست می دهند و این امر خود مانع رشد شخصی آنان می گردد (Habermas, 2006: 45).

مدل نظری پژوهش

با نظر به نظریات مطرح شده پیرامون موضوع پژوهش و چارچوب نظری مدل مفهومی پژوهش در بردارنده متغیرهای مستقل کنش ارتباطی، مدارای اجتماعی، سلامت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و متغیر تعدیل گر تعهد عام و متغیر وابسته کار گروهی می باشد که همه متغیرها بر حسب رابطه آنها با متغیر وابسته از چارچوب نظری استخراج شده و از پشتوانه نظری برخوردار می باشند.



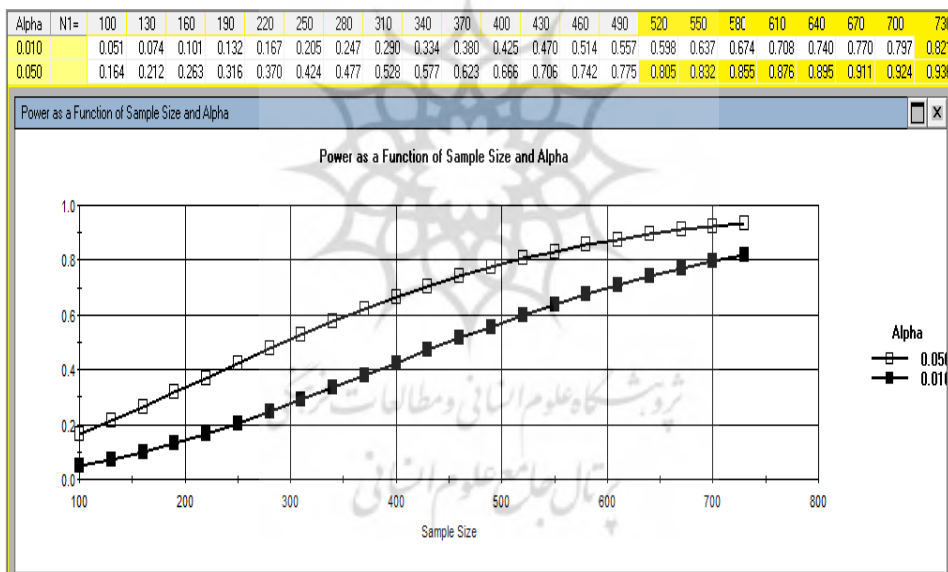
شکل ۱- مدل مفهومی

فرضیات پژوهش

۱. میزان کنش ارتباطی زنان در زندگی بر کارگروهی آنها موثر است.
۲. میزان مدارای اجتماعی زنان بر کارگروهی آنها موثر است.
۳. میزان سلامت اجتماعی زنان بر کارگروهی آنها موثر است.
۴. میزان اعتماد اجتماعی زنان بر کارگروهی آنها موثر است.
۵. میزان تعهد عام زنان بر (تاثیر عوامل اجتماعی بر کارگروهی زنان) موثر است.

روش پژوهشی و ابزار پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس نوع داده های جمع آوری و تحلیل شده، پژوهش کمی واز لحاظ نوع برخورد با مساله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش است. جامعه آماری پژوهش را زنان ۲۰ سال به بالای شهر تهران تشکیل داده است که تعداد کل جمعیت آن ۲۸۱۷۳۰۸ نفر می باشد. حجم نمونه با استفاده از نرم افزار Spss Sample Power (شکل: ۱) با در نظر قرار دادن دو حالت مطلوب ۱ و ایده آل ۲ در قالب یک طیف از ۵۲۰ تا ۷۳۰ نفر برآورد شده است که در این پژوهش با توجه به وضعیت مطلوب ۵۲۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب گردیدند. شیوه نمونه گیری در این پژوهش، نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای است.



شکل ۲- نمودار حجم نمونه

^۱ وضعیت مطلوب برای روش های تحلیل آماری مبتنی بر تحلیل رگرسیونی یا مدل سازی معادله ساختاری مقدار درصد خطا ۰/۰۵، توان برابر با ۰/۸۰ و حجم اثر ۰/۰۵ است.

^۲ حالت ایده آل برای روش های تحلیل آماری مبتنی بر تحلیل رگرسیون یا مدل سازی معادله ساختاری مقدار درصد خطای ۰/۰۱، توان بالاتر از ۰/۸۰ و حجم اثر ۰/۰۳ است.

ابزار گرد آوری داده‌ها پرسشنامه است. یکی از معیارهای درستی اندازه گیری مفاهیم، اعتبار ۱ معرف‌های آن‌هاست برای برآورد اعتبار تجربی معرف‌ها به دو شیوه داوری اجماع علمی و شاهدان عینی، استفاده از تحلیل عامل عمل شده است.

برای روایی سازه‌ها نیز با استفاده از نرم افزار SMART PLS عاملی انجام گرفت سپس با اطمینان از اعتبار آن به تحلیل داده‌ها اقدام گردید. در ابتدا داده‌ها با نرم افزار SPSS مورد پردازش قرار گرفتند سپس به منظور بررسی روابط بین متغیرها از مدل سازی معادلات ساختاری ۲ نرم افزار SMART PLS3 استفاده شده است.

برای حصول روایی محتوای قابل قبول دو فرم CVR و CVI با کمک استاد راهنما و اساتید صاحب نظر با انتخاب معتبرترین شاخص‌های گردآوری شده در پرسشنامه تهیه شد. این روایی هم قبل از توزیع پرسشنامه گرفته می‌شود. مقدار ضریب بدست آمده برای مفاهیم بیشتر از ۰/۷۹ بود که نشان دهنده قابل قبول بودن ضریب CVI است. برای محاسبه ضریب CVR با توجه به اینکه تعداد کارشناسان نظر دهنده ۱۰ نفر بودند مقدار این ضریب ۰/۶۵ محاسبه شد (جدول: ۱) که حاکی از قابل قبول بودن ابزار تحقیق می باشد.

جدول (۱): حداقل مقدار CVR قابل قبول بر اساس تعداد متخصصین نمره گذار

تعداد متخصصین	مقدار CVR	تعداد متخصصین	مقدار CVR	تعداد متخصصین	مقدار CVR
۵	۰/۹۹	۱۱	۰/۵۹	۲۵	۰/۳۷
۶	۰/۹۹	۱۲	۰/۵۶	۳۰	۰/۳۳
۷	۰/۹۹	۱۳	۰/۵۴	۳۵	۰/۳۱
۸	۰/۷۸	۱۴	۰/۵۱	۴۰	۰/۲۹
۹	۰/۷۵	۱۵	۰/۴۹		
۱۰	۰/۶۲	۲۰	۰/۴۲		

¹ Validity

² Smart Pls

یافته های پژوهش

یافته های تحقیق در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.
الف) توصیفی

در بخش توصیفی برخی از ویژگی های جمعیت شناختی نشان داده شده است. از کل نمونه آماری پژوهش ۵۶/۷ درصد را زنان متأهل و ۴۰/۱ درصد را زنان مجرد تشکیل داده اند؛ ۴۲/۴ درصد را زنان با دامنه سنی (۳۰-۴۰) سال و ۳۲/۸ درصد را زنان واقع در دامنه سنی (۲۰-۳۰) سال تشکیل داده اند که این دو گروه بیشترین فراوانی نسبی را به خود اختصاص داده اند؛ ۴۸/۴ درصد زنان دارای تحصیلات کارشناسی، ۲۴/۹ درصد کارشناسی ارشد، ۹/۸ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم و دیپلم بوده اند؛ درآمد ۲۹/۹ درصد زنان کمتر از یک میلیون تومان، ۳۱/۶ درصد بین یک تا دو میلیون تومان و ۲۰ درصد نیز دارای درآمد بین دو تا سه میلیون هستند. ۳/۸ درصد (کمترین) افراد عضو گروه احزاب و گروه های سیاسی، و ۶۳/۵ درصد (بیشترین) افراد عضو گروه های فامیلی و دوستی بوده اند و گروه های مرتبط با شغل و حرفه (۳۲/۲ درصد)، گروه های خیریه یا امدادی (۲۹/۹ درصد)، گروه های مذهبی (۱۹ درصد)، همکاری با همسایه و امور محله (۱۲/۸)، گروه های حمایتی (۱۲/۶ درصد)، همکاری با انجمن اولیا و مربیان (۱۱/۱ درصد) به ترتیب در رتبه های بعدی قرار دارند.

جدول (۲): نرمال بودن متغیرها

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی		کشیدگی	
				خطا	آماره	خطا	آماره
کنش ارتباطی	۴۶۹	۳/۱۱۶۸	۰/۵۰۶۲۴	۰/۶۳۹	۰/۱۱۳	۰/۵۴۱	۰/۲۲۵
مدارای اجتماعی		۲/۴۲۷۸	۰/۵۵۲۸۰	۰/۲۵۹	۰/۱۱۳	-۰/۳۳۲	۰/۲۲۵
سلامت اجتماعی		۳/۱۳۶۱	۰/۴۲۸۴۰	-۰/۰۱۸	۰/۱۱۳	۰/۵۹۳	۰/۲۲۵
اعتماد اجتماعی		۳/۱۵۹۹	۰/۴۴۵۴۱	۰/۳۲۲	۰/۱۱۳	۰/۶۳۴	۰/۲۲۵
کارگروهی		۳/۳۶۱۱	۰/۴۲۴۶۸	۰/۳۸	۰/۱۱۳	۰/۱۶۰	۰/۲۲۵
تعهد عام		۴/۲۵۳۰	۰/۷۲۸۵۷	-۱/۰۲۱	۰/۱۱۳	۱/۲۱۰	۰/۲۲۵

میانگین اکثر متغیرها در یک طیف ۵ گزینه ای لیکرت بالای عدد ۳ می باشد که این پدیده خبر از توافق نسبی آن متغیر در نمونه است؛ استون^۱(۲۰۰۲) در مطالعات خود بیان نموده است که تنها پاسخ های جمع آوری شده از نمونه ای اعتبار دارد که پراکندگی آن ها برای هر متغیر بالای ۰/۵ باشد (۳۳)؛ خوشبختانه اکثر انحراف های متغیرها بالای ۰/۵ می باشد که این خبر از حذف آدم های بی تفاوت از مجموعه پاسخ دهندگان می دهد. همچنین کلیه ی ضرایب چولگی و کشیدگی بین (۳،۳-) و (۵،۵-) می باشد که شرط کافی نرمال بودن توزیع داده ها را تایید می کند یعنی توزیع داده های متغیرها از الگوی زنگوله ای پیروی می کند و متغیرها نرمال می باشند.

جهت آزمون فرضیات با استفاده از نرم افزار SMART PLSS ابتدا باید همگرایی و واگرایی مدل معادلات ساختاری را در قالب آزمون های آماری که در ادامه بحث آورده شده اند، مورد بررسی قرار داد:

الف) آزمون های همگرایی

۱) اولین آزمون پایایی و روایی همگرا مدل اندازه گیری (آلفای کرونباخ)؛ آلفای کرونباخ همبستگی بین سوالات یک متغیر را نشان می دهد. طبق گفته جورج (۲۰۰۳) مقادیر آلفای کرونباخ بالای ۰/۹ عالی، مقادیر بالای ۰/۸ خوب، مقادیر بالای ۰/۷ قابل قبول، مقادیر بالای ۰/۶ سوال برانگیز و مقادیر بالای ۰/۵ ضعیف هستند (۳۴). در جدول زیر مقدار آلفای کرونباخ برای هر یک از متغیرهای تحقیق بعد از گرفتن آزمون همگن بودن تک بعدی و انجام بعضی اصلاحات آمده است. از آنجا که ضریب آلفای بدست آمده برای هر متغیر در پرسشنامه بالا و نزدیک به ۷۰٪ می باشد، می توان نتیجه گرفت که ابزار پژوهشی ابزار پایا و اعتماد پذیر است و بین سوالات یک همبستگی وجود دارد. ۲) دومین آزمون پایایی مدل اندازه گیری انعکاسی، آزمون پایایی مرکب (CR)؛ معیار این شاخص برای بررسی همسانی درونی مدل اندازه گیری بین $0.7 < R < 0.6$ برای تحقیقات اکتشافی کافی است، اما در صورتی که مدل در مرحله بلوغ بوده و در تحقیقات مختلف تکرار شده باشد، مقدار CR باید بین $0.9 < CR < 0.7$ باشد. یافته های جدول (۴) نشان می دهد مقدار CR از ۰/۷ بیشتر است. بر این اساس می توان نتیجه گرفت، که سوالات در درون مدل دارای همسانی است و مدل دارای پایایی ترکیبی می باشد.

¹ Steven

۳) سومین آزمون پایایی مدل اندازه گیری انعکاسی، آزمون پایایی اشتراکی (معرف)؛ در پایایی اشتراکی به دنبال پایایی یا تعمیم پذیری هر سوال به تنهایی یا یک معرف هستیم، که مقدار آن باید از ۰/۵ بزرگتر باشد. یافته ها نشان می دهد، که مقادیر پایایی اشتراکی برای تمام متغیرها از ۰/۵ بیشتر بوده، بنابراین می توان نتیجه گرفت، که معرف ها به خودی خود دارای پایایی اشتراکی هستند.

۴) آزمون میزان AVE؛ شرط سوم روایی همگرا این است که مقدار میانگین واریانس استخراجی از ۰/۵ باید بزرگتر باشد. معیار AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص های خود را نشان می دهد که هر چه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. محققین معیار AVE (میانگین واریانس استخراجی) را برای سنجش روایی همگرا معرفی کرده اند و اظهار داشته اند که در مورد AVE، مقدار بحرانی عدد 0/5 است. بدین معنی که مقدار AVE بالای 0/5 روایی همگرایی قابل قبول را نشان می دهند. بدین معنا که متغیرهای برونزا مورد نظر حداقل ۵۰ درصد واریانس درونزا های خود را تبیین می کند. یافته های جدول (۴) نشان می دهد که مقدار AVE برای تمام متغیرها از ۰/۵ بزرگتر می باشد که نشان از همبستگی متغیرها با سوالات خود است.

شرط چهارم مقدار $CR > AVE$ باشد. یافته های جدول فوق حاکی از آنست که مقدار CR برای تمام متغیرهای فوق از مقدار AVE بیشتر می باشد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که مدل اندازه گیری انعکاسی دارای روایی همگراست.

ب) آزمون های واگرایی

برای روایی واگرا دو آزمون وجود دارد که عبارتند از:

۱) آزمون فورنل - لاکر (جدول: ۳)؛ طبق این آزمون، روایی تشخیصی یک متغیر برونزا در مقایسه با سایر متغیرهای برونزا، باید پراکندگی بیشتری را در بین درونزاهای خود داشته باشد. همچنین، جذر میانگین واریانس استخراج شده هر متغیر برونزا باید بیشتر از حداکثر همبستگی آن متغیر با دیگر متغیرهای برونزا مدل باشد؛ نتایج آزمون بیانگر این است که جذر AVE از تمام مقادیر همبستگی ها در هر ستون بیشتر است؛ بنابراین، سازه دارای روایی واگراست.

جدول ۳- آزمون فورنل و لارکر

متغیر ها	کنش ارتباطی	مداری اجتماعی	اعتماد اجتماعی	سلامت اجتماعی	کارگروهی
کنش ارتباطی	۰/۵۱۴				
مداری اجتماعی	۰/۱۰۹	۰/۶۱۹			
اعتماد اجتماعی	۰/۲۷۵	۰/۴۹۱	۰/۵۱۸		
سلامت اجتماعی	۰/۰۳۴	۰/۰۳۶	۰/۴۶۸	۰/۵۰۴	
کارگروهی	۰/۴۲۴	۰/۰۰۷	۰/۲۳۶	۰/۳۷۵	۰/۵۴۴

۲) آزمون بارهای عرضی؛ آزمون بارهای عرضی روایی تشخیصی را در سطح متغیرهای درونزا می‌سنجد. به عقیده جفن و استراب^۱ (۲۰۰۵)، طبق این آزمون این انتظار می‌رود که بارهای عاملی هر کدام از متغیرهای درونزاهای موردنظر در یک مدل اندازه‌گیری انعکاسی بیشتر از بارهای عاملی درونزاهای دیگر مدل‌های اندازه‌گیری موجود در مدل ساختاری باشد. از این رو، بار عاملی هر متغیر درونزا بر روی متغیر برونزا متناظرش باید حداقل ۰/۱ بیشتر از بارهای عاملی همان متغیر درونزا بر متغیرهای دیگر باشد (۳۵). این آزمون بیانگر آن است که بار عاملی هر سوال متعلق به یک سازه در یک سطر حداقل به اندازه ۰/۱ از بقیه مقادیر سوالات سازه‌های دیگر در همان سطر بیشتر است؛ بنابراین، می‌توان گفت که مدل دارای روایی واگراست.

۳) آزمون چند روش و چند خصیصه (HTMT)؛ این شاخص توسط هنسeler^۲ (۲۰۱۵) ایجاد شد که به نوعی هر دو آزمون قبلی را در دل خود دارد یعنی همزمان واگرایی سوالات و متغیرها را با همدیگر می‌سنجد؛ در این روش دو به دو روایی واگرایی متغیرها سنجیده می‌شود و مقدار HTMT باید کمتر از یک باشد (۳۶). بنابراین به صورت کلی سه آزمون بارهای عرضی، فورنل و لارکر و HTMT روایی واگرا را مورد تایید قرار داده‌اند و با تایید روایی همگرا این نتیجه حاصل می‌شود که مدل تدوین شده از روایی سازه برخوردار است.

¹ Gefen and Straub

² Henseler

جدول ۴- آزمون سنجش واگرایی HTMT

متغیرها	کنش ارتباطی	مدارای اجتماعی	اعتماد اجتماعی	سلامت اجتماعی	کارگروهی
کنش ارتباطی					
مدارای اجتماعی	0/268				
اعتماد اجتماعی	0/515	0/649	۰/۶۴۹		
سلامت اجتماعی	0/548	0/442	0/639		
کارگروهی	0/006	0/156	0/398	0/005	0/447

آزمون کیفیت مدل اندازه گیری انعکاسی

این شاخص توانایی مدل را در پیش بینی متغیرهای برون زا از طریق مقادیر متغیر درون زا متناظرشان می‌سنجد. طبق اطلاعات جدول (۵) تعدادی از متغیرها مقدار CV com شان در مدل اندازه گیری نزدیک مقدار ۰/۱۵ یعنی کیفیت متوسط و متغیر دینداری نزدیک مقدار ۰/۳۵ یعنی بسیار قوی است؛ به عبارتی مدل بیرونی انعکاسی از کیفیت خوب و متوسطی برخوردار است.

جدول ۵- آزمون کیفیت اندازه گیری مدل انعکاسی

متغیرها	کنش ارتباطی	مدارای اجتماعی	اعتماد اجتماعی	سلامت اجتماعی	کارگروهی
CVCOM	۰/۱۳۵	۰/۲۸۱	۰/۱۲۵	۰/۱۸۲	۰/۲۱۴

آزمون فرضیات پژوهش

- فرضیه ۱: کنش ارتباطی بر کارگروهی زنان تاثیر دارد.
 فرضیه ۲: مدارای اجتماعی بر کارگروهی زنان تاثیر دارد.
 فرضیه ۳: اعتماد اجتماعی بر کارگروهی زنان تاثیر دارد.
 فرضیه ۴: سلامت اجتماعی بر کارگروهی زنان تاثیر دارد

یافته های جدول (۶) حاکی از آنست که ضرایب بدست آمده بین کنش ارتباطی ، مدارای اجتماعی و سلامت اجتماعی به عنوان عوامل اجتماعی با هر چهار بعد کارگروهی جمعی بزرگتر از ۱/۹۶ می باشد؛ بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد رابطه کنش ارتباطی و مدارای اجتماعی به عنوان عوامل اجتماعی با هر چهار بعد کارگروهی قابل پیش بینی خواهد بود؛ اطلاعات فوق بیانگر این است که فرض H_0 رد و فرض H_1 تایید می گردد. اما با توجه به اطلاعات بدست آمده از آزمون فرضیه تاثیر اعتماد اجتماعی بر کارگروهی می توان گفت که ضریب مسیر بین اعتماد اجتماعی و کارگروهی کمتر از ۱/۹۶ می باشد که این مطلب بیانگر عدم معناداری تاثیر کنش ارتباطی بر کارگروهی است. بنابراین نتیجه می گیریم که تاثیر کنش ارتباطی بر کارگروهی معنادار نمی باشد؛ به عبارتی فرض H_0 تایید و فرض H_1 رد می گردد.

جدول ۶- آزمون فرضیات پژوهش

نتیجه	Tvalue	P value	ضرایب	فرضیات
تایید	۳/۶۲۰	۰.۰۰۰	-۰/۱۸۱	تاثیر مدارای اجتماعی بر کارگروهی
تایید	۶/۵۳۰	۰.۰۰۰	۰/۲۹۷	تاثیر کنش ارتباطی بر کارگروهی
تایید	۴/۳۳۶	۰.۰۰۰	۰/۲۳۶	تاثیر سلامت اجتماعی بر کارگروهی
رد	۱/۵۳۴	۰.۱۲۶	۰/۱۰۵	تاثیر اعتماد اجتماعی بر کارگروهی

آزمون ضریب پیش بین و کیفیت مدل درونی

اطلاعات مندرج در جدول (۷) بیانگر این است که دو متغیر عوامل اجتماعی (کنش ارتباطی، مدارای اجتماعی و سلامت اجتماعی) رفتار کار گروهی را پیش بینی می کند؛ با توجه به مقدار ضریب پیش بین (۰/۲۶) می توان گفت که مقدار ضریب تقریباً در سطح ضعیفی ۱ می باشد. اما اطلاعات مربوط به کیفیت مدل درونی (CV Red) ۲ نشان می دهد که کیفیت مدل ساختاری برای کار گروهی نزدیک ۰/۱۵ است و مقدار متوسطی دارد. برای رسیدن به نتیجه کلی به سراغ آزمون های مدل کلی می رویم تا مشخص شود پیش بینی ما از نتایج چه وضعیتی دارد زیرا مدل اصلی ترکیبی از دو مدل است. این آزمون ها عبارتند از: SRMR و GOF؛ مقدار SRMR باید کمتر از ۰/۰۸ باشد که مقدار بدست آمده در پژوهش حاضر برابر ۰/۰۷ می باشد که مقدار قابل قبولی می باشد؛ مقدار آزمون GOF با مقدار ۰/۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی مقایسه می شود؛ با توجه به مقدار بدست آمده در پژوهش حاضر (۰/۹۰) می توان گفت که این مقدار بیشتر از ۰/۳۶ و قوی می باشد.

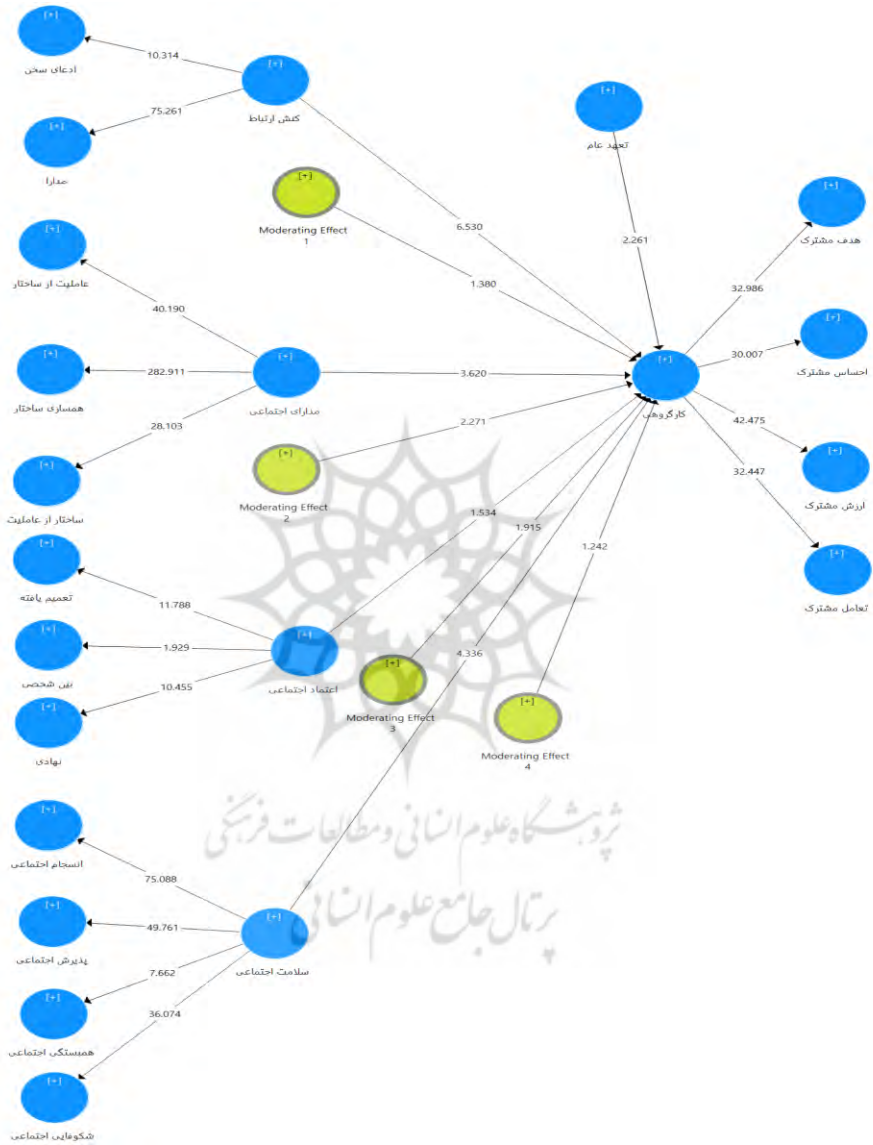
$$GOF = \sqrt{\text{communality} \times R^2} = 0.39$$

خوشبختانه مقدار GOF در این تحقیق بیشتر از مقدار ۰/۳۶ و قوی می باشد.

جدول ۷- آزمون ضریب پیش بین، کیفیت مدل درونی و آزمون های مدل کلی PLS

GOF	R Square	CV Red	SRMR	متغیر درون‌زا
۰/۳۹	۰/۲۶۶	۰/۱۵	۰/۰۷	کار گروهی

^۱ مقدار ضریب پیش بین با سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی می باشد، مقایسه می شود.
^۲ کیفیت مدل درونی با سه عدد ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی محاسبه می شود



شکل ۳- مدل کلی در PLS

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی تجربی تاثیر عوامل اجتماعی (کنش ارتباطی، مدارای اجتماعی و اعتماد اجتماعی و سلامت اجتماعی) بر کار گروهی زنان ۲۰ سال به بالای شهر تهران پرداخته است. مفهوم کار گروهی در عصر حاضر به یکی از موضوع های اساسی در ارتباط با دستیابی به اهداف خرد و کلان در سطح خانواده و جامعه تبدیل شده است. در این میان حضور زن در جامعه یکی از مسائلی است که از دیرباز با موانع و مشکلات فراوانی روبه رو بوده است. به طوری که این موانع در قالب های مختلف فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و ... جلوه نموده است که در این بین با توجه به تاثیرگذار بودن مقوله کنش و اهمیت اعتماد و مدارای اجتماعی و سلامت اجتماعی و ارتباط گسترده آنها با کار گروهی و همچنین ارتباط آنها با دیگر نظام ها و با نظر به شرایط خاص فرهنگی و اخلاقی و روحیه ایرانیان توجه به این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار می گردد. چرا که با زمینه سازی اعتماد و بالا بردن سطح سازش و مدارای اجتماعی می توان به ایجاد کنش ارتباطی موثری کمک نمود که خود زمینه ساز فعالیت های گروهی می باشد. به عبارتی با زمینه سازی کارگروهی در جامعه و همکاری در تشکل های داوطلبانه، مسیری امن برای زنان فعال مهیا می شود. از این رو مطرح کردن بحث کارگروهی و فعالیت اجتماعی زنان به عنوان قشری تاثیرگذار در اداره زندگی و تربیت فرزندان در شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی، دینی و سیاسی امروز ایران می تواند گامی موثر در راستای رسیدن به اتحاد و همبستگی باشد.

با نگاهی به نتایج فرضیات پژوهش می توان ادعان نمود که فرضیه مبنی بر تاثیر افزایش مدارای اجتماعی زنان بر افزایش کار گروهی تایید شده که نتایج فوق با نتایج تحقیق حاجیلری (۱۳۸۷) با عنوان بررسی موانع فرهنگی عدم توسعه کار جمعی و گروهی در تشکل ها و مجموعه های دانشجویی که در آن رابطه فوق نیز تایید شده است، همخوان می باشد. در مورد فرضیه تاثیر کنش ارتباطی بر افزایش کار گروهی نیز نتایج حاکی از تایید رابطه فوق است که به علت انجام نشده تحقیقی در این زمینه نمی توان در مورد همخوان یا ناهمخوان بودن نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات دیگر صحبت نمود؛ اما نتایج تایید کننده نظریه هابرماس در مورد کنش ارتباطی است؛ در واقع از دیدگاه هابرماس کنش ارتباطی واسطی است که از طریق آن، اذهان متکلم و کنشگر، گفتار و کنش خود را در هم می کنند از طریق این واسط و فرآیند عادی به تفاهم رسیدن است که به یکدیگر وابسته می شویم؛ هدف کنش ارتباطی، اجماع شناخت همگانی و پذیرش حقایق واحد است و این حوزه در واقع یک

آرمان اجتماعی است. نتایج نقش تعهد عام بر رابطه بین مدارا اجتماعی و کار و نیز تایید شده و نشانگر این هست که تعهد عام، افزایش مدارای اجتماعی را فراهم می آورد. در مورد فرضیه تاثیر سلامت اجتماعی بر افزایش کار گروهی نیز نتایج حاکی از تایید رابطه فوق است که به علت انجام نشده تحقیقی در این زمینه نمی توان در مورد همخوان یا ناهمخوان بودن نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات دیگر صحبت نمود. تنها فرضیه مبنی بر تاثیر اعتماد اجتماعی بر انجام کار گروهی رد شده است که نتایج فوق با نتایج تحقیقات میرزایی (۱۳۸۴)، حاجیلری (۱۳۸۷) و دوله (۱۳۹۱) ناهمخوان می باشد.

به طور کلی یافته های این پژوهش نشان می دهد که همکاری داوطلبانه در جامعه ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه های مشارکت مدنی به ارث برده است، بهتر صورت می گیرد. سرمایه اجتماعی که اعتماد یکی از وجوه برجسته آن است، با تسهیل اقدامات، کارایی جامعه را بهبود می بخشد و هزینه مبادلات و همکاری های محلی را کاهش می دهد. از طرفی تداوم روابط اجتماعی، اعتماد ایجاد می کند و از طرفی شبکه های مشارکت ورزی باعث افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی می شوند؛ با این گفته ها ارتباط خوب و مورد انتظار متغیرهای مورد بررسی به خوبی قابل بحث است اما نکته قابل توجه عدم تایید تاثیر اعتماد بر کار گروهی می باشد؛ در واقع اعتماد اجتماعی در سطوح پایین تر، یعنی در بین اجتماعات کوچک محلی بیشتر است، به طوری که هر چه از پایین ترین سطح اجتماعی، یعنی اعضای خانواده، به طرف سطوح بالاتر، یعنی خویشاوندان، دوستان، همکاران، همسایگان، هم محله ها، همشهریان و نهادهای دولتی حرکت کنیم، از میزان آن کاسته می شود. بیشترین میزان آن در بین اعضای خانواده و کمترین آن در اعتماد به نهادهای دولتی وجود دارد. سرمایه اجتماعی قدیم یا درون گروهی، همزمان با رشد فرایند مدرنیته و زوال نهاد های غیر سمی، کاهش می یابد؛ ولی همگام با آن، سرمایه اجتماعی جدید، تولید و جایگزین نمی شود. با توجه به این که ابعاد اصلی تعیین کننده سرمایه اجتماعی، دارای خصلتی اجتماعی و جنبه خرد یا فردی دارند، می توان پیشنهاد نمود که عاملان توسعه اجتماعی، یعنی کنش گران فردی، به ویژه افرادی که دارای باورهای علمی، مردمی، تعهد و مسئولیت پذیری، عقلانیت بینشی و کنشی که از تعاملات گسترده با نهادها و افراد سود می برند، به عنوان عاملان اصلی توسعه اجتماعی، نقش تعیین کننده ای در ارتقای کم و کیف سرمایه اجتماعی جدید دارند، بیش از پیش تلاش نمایند تا از طریق به هم وصل کردن افراد در

قالب های مدنی و ایجاد ارتباط بین اجتماعات کوچک در قالب اجتماعات بزرگتر و افزایش میزان تعاملات بین فردی و بین گروهی و بین افراد و گروه ها، نقش موثرتری در بسط اعتماد اجتماعی و تقویت همبستگی و انسجام جمعی عام و شکل گیری و تحکیم اجتماع جامعه ای به عنوان نماد وحدت ملی ایفا نمایند.

مدارا سبب می شود که افراد انسانی در غم و شادی یکدیگر مشارکت جویند و از یکدیگر تقلید کنند؛ به عبارتی با هم همدردی کنند؛ چنانکه در این تحقیق نیز تعهد و مسئولیت پذیری زنان رابطه بین مدارای اجتماعی و کار گروهی را افزایش می دهد. یعنی افرادی که متعهد تر و دارای مسئولیت اجتماعی بالایی هستند، در محیط های اجتماعی و عمومی با پذیرش تفاوت های هر شخصی، در گروه ها همکاری می کنند و همه اعضا در کنار یکدیگر با آسایش گام بر می دارند؛ از سوی دیگر در کنش ارتباطی، کنشگران برای رسیدن به یک درک مشترک از طریق استدلال، وفاق و همکاری با یکدیگر ارتباط متقابل برقرار می کنند و با نگاهی به نتایج فرضیات شاهد تاثیر این نوع کنش در انجام و افزایش کار گروهی نیز بوده ایم و با نظر به شاخص های سلامت اجتماعی می توان گفت که در صورت زمینه سازی جهت بهبود و ارتقاء پذیرش اجتماعی، همبستگی، خود شکوفایی و ... می توان سلامت اجتماعی را ارتقاء بخشید؛ لذا افراد ابتدا باید به سطحی از خودباوری برسند تا بتوانند سلامت اجتماعی خود و اطرافیان را تامین کنند.

بنابراین با توجه به تاثیر انکار ناپذیر عوامل اجتماعی در کار گروهی و با نظر به اهمیت مقوله های مورد بررسی در فرآیند پژوهش می توان به ارائه راهکارهایی در این خصوص اشاره کرد:

- با توجه به روند روبه افزایش نابرابری و فاصله طبقاتی در جامعه ایران و تاثیر آن در کاهش مدارا و سازش مردم با یکدیگر پیشنهاد می شود که شبکه اجتماعی هوشمند راه اندازی شود. در این صورت است که دیگر سوژه فردی نیست، هم سوژگی است و ذهن ها و عقل ها با هم کار می کنند و جامعه خود گردان می شود و در نهایت هوش هیجانی بوجود می آید.
- فرهنگ سازی در زمینه نقدپذیری؛ بالا بردن روحیه نقدپذیری و دادن آموزش های لازم می تواند گامی در جهت افزایش مدارای اجتماعی باشد.
- فرهنگ سازی در زمینه انجام کار گروهی و اهمیت آن در راستای دستیابی به اهداف توسعه ای کشور.

- ایجاد تعلق خاطر در اعضای که در کنار هم قصد انجام کار گروهی دارند؛ و این کار با مشخص نمودن هدف کنار هم بودن و دستیابی به هدف بهتر محقق می شود.
- ایجاد بستر اتکای متقابل و اعتماد در اعضا
- تقویت بحث گروهی و مشورت در بین اعضا
- گسترش دایره روابط از دوست و آشنا به غریبه؛ تشویق افراد به برقراری ارتباطات و معاشرت باهم در راستای ایجاد حس اعتماد و تقویت کار گروهی و جمعی.
- شفاف سازی رسانه ای؛ امروزه با توجه به کاهش اعتماد مردم به رسانه های همگانی پیشنهاد می شود که رسانه ها و مسوولین در راستای جلب اعتماد اکثریت مردم گام بردارند.
- دولت نیز اگر ظرفیت سازی و آزادی سازی ساختارها را انجام دهد، توسعه انسانی، دانش، مهارت، قابلیت های نیروی انسانی با همکاری های محله مدار جامعه را بلوغ می رساند، با همکاری توأمان دولت - ملت شکاف ها ترمیم می شود.

پیشنهادات پژوهشی

- انجام مطالعات موردی بر روی انجمن ها و سازمان های مردم نهاد و گروه های خیریه؛
- استفاده از مطالعات ترکیبی برای مطالعه کار گروهی و فعالیت جمعی؛
- انجام مطالعات تطبیقی در زمینه میزان موفقیت کار گروهی و جمعی در سازمان های و نهادهای با رویکرد کار جمعی با در نظر گرفتن سطح رسمیت آنها؛
- انجام تحقیق پیرامون موضوع حاضر با روش های کیفی (پدیدارشناسی و گرنند تئوری) تا با در نظر گرفتن شرایط زمینه ای و ریشه یابی و بررسی عوامل زمینه ای و علی و ... بتوان راهکارهای کاربردی بهتری برای ارتقاء و بهبود کار گروهی ارائه نمود.

References

- Abdollahi Mohammad (2009) Problems and Solutions for Measuring and Analyzing Social Capital in Iran. PERSIAN
- Aron, Raymond (2013) Etapes de la pensee sociologique: main currents in sociological thought. Bagher Parham. Tehran. PERSIAN
- AzedanlooHamid (2017). Fundamental sociological concepts: An Introduction
- Bourdieu, Pierre. (2011) Social capital: Trust, Democracy and Development / Effort Kian Tajbakhsh. Tehran. PERSIAN
- Bourdieu, Pierre.(2002)Raisons pratiques: sur la theorie de l'action.mardiha,morteza Tehran PERSIAN
- Boudon, Raymond (2003) Beyond Rational Choice Theory, Annual Review of sociology, 29: 1-21.
- Bokharayi.A.M.H. & Tavafi. P (2016) A Sociological Study of the Relationship between Joyfulness and Social Health. 25.1-39
- Chiharu, sh. (2007), EFFECT OF INDIVIDUAL AND SOCIAL FACTORS ON LEARNERS' GROUP WORK ACTIVITY, Ritsumeikan Asia Pasific University during 2007. Her research focuses on classroom research and peer interaction.
- Christie, Daniel J & Dawes, Andrew (2001) Tolerance and Solidarity, Peace and Conflict: Journal of Peace Psychology, 7 (2), 131-142.
- Conyers, A.J. (2001). The Long Truce: How Toleration Made the World Safer for Power and Profit. Dallas TX: Spence Publication
- Coser, Lewis (Alfred Macters of sociological thought; ideas in historical.Sabouri, Manouchehr. Tehran
- CHalabi, Masoud. (2003). Experimental Study of Personality System in Iran. .Tehran. PERSIAN
- Department of Islamic Culture and Guidance of Tehran Province(2001) Proceedings of the First Conference on Investigating the Causes and Factors of the Priority of Collective Materials over the Benefits of Individual.Tehran
- Faulks, Keith (2012) Citizen ship.Delfrouz.Mohammadtaghi. Tehran. PERSIAN
- Ferrin, Donald L, Michelle C, Bligh and Jeffrey Kohles (2007) "Can I Trust You to Trust Me? A Theory of Trust, Monitoring, and Cooperation in Interpersonal and Intergroup Relationships", Group Organization Management, 32 (4): 465-499.
- Fang, F. C., Yiming J. and Jeong, M. L. (2012). "I" value competence but "we" value social competence: The moderating role of voters' individualistic and collectivistic orientation in political elections, University of Delaware, Department of Psychology, USA, Journal of Experimental Social Psychology, 48.
- Farhadi., Morteza (2018). Assistive anthropology.Tehran. PERSIAN
- Ferasatkah, Maghsoud. (2018) We iranians: a historical and social contextualizing of iranian ethos.Tehran. PERSIAN

- Fukuyama, Francis (2007) *The end of the order*, Tavasoli ,Gholam Abbas Tehran. PERSIAN
- Giddens, Anthony (2015) *Sociology Sabouri*, Manouchehr. Tehran. PERSIAN
- Hajilari, Morteza (2009), *Journal of Islamic Azad University* ,Investigating the cultural barriers to the development of group and group work in student collections.4.101-120.
- Javadiyeganeh,Mohammadreza(2012)Survey of Citizens of Tehran on Individual and Community Interests
- Studies and program evaluation Programming and evaluation of IoT
- Habermas, Jürgen (2006). *The theory of communicative action*. poladi,kamal.Tehran PERSIAN
- Kelman James (2012) *Foundations of social theory* , Tehran PERSIAN
- Keyes Corey L & Shapiro Adam D. (2004) *Social Well-Being in the United States: A Descriptive Epidemiology*. In Brim, Orville Gilbert; Ryff, Carol D.; and Kessler, Ronald C. (Eds) *How Healthy Are We? A National Study of Well-Being at Midlife*. U.S. University of Chicago Press.
- Keyes Corey L. M. (2006) *Mental health in adolescence: Is America's youth flourishing? American journal of orthopsychiatry*, vol. 76, n3, pp. 395-402
- Mohammadishakiba, Abas (2001) *Survey of Citizens of Tehran on Individual and Community Interests*. Tehran. PERSIAN
- Mahdavi, Mohammadsadegh. Mobaraki, Mohammad (2007) *Analysis of Communication Action Theory*. Tehran. PERSIAN
- Naser, Fokouhi (2008)*From illusion to reality*. Yearbook of Trust.Tehran. PERSIAN
- Nouroozi, Feizolah(1997)*Individualism among young people studying in Tehran* PERSIAN
- Pinter, A. (2004). 'Public sphere and history: his torians response on habermas on the 'warth' of the past'. *Journal of communication inqutry* 28: july.
- Putnam, Robert D.(2014). *Making democracy work : civic traditions in modern Italy*.Delforouz, Mohammad taghi Tehran PERSIAN
- Sharepour Mahmoud (2011). *Sociology of education*. .Tehran. PERSIAN
- Sztompka, Piotr (2013) *Trust: A sociological theory*,Gafari, Golamreza. Tehran PERSIAN
- Simpson, Brent (2006) "Social Identity and Cooperation in Social Dilemmas", *Rationality and Society*, 18 (4): 443-470.
- Tavasoli , Gholam Abbas. (2018).*Sociological theories*. Tehran. PERSIAN
- Turner, j. H, (1998),*The structure of sociological Theory'*. Sixth Edition, Wadsworth Publishing Company, theus.
- Weber, Max (2014) *Introduction to the basic concepts of sociology* Hasan Pouyan. Tehran. PERSIAN

-Yamagishi, T, Satoshi Kanazawa, Rie Mashima and Shigeru Terai (2005) "Separating Trust from Cooperation in a Dynamic Relationship", *Rationality and Society*, 17 (3): 275-308.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی